ذره‌بین

فقدان اطلاعات مشترک امدادی پاشنه آشیل امدادرسانی

حسین درخشان | مدیر مرکز کنترل هماهنگی عملیات سازمان امدادونجات

یکی از اصلی‌ترین مشکلات ما به اشتراک گذاشته‌نشدن اطلاعات بین دستگاه‌های اجرایی است و باید اطلاعات جامعی از سازمان‌های دیگر، فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند و حوزه‌های خدماتی که دارند، در دسترس باشد. با تحلیل این اطلاعات می‌توان خدمات بهتری به افراد حادثه‌دیده ارایه کرد. اگر امکان اشتراک‌گذاری این اطلاعات بین دستگاه‌ها وجود داشته باشد و اگر منبعی باشد که تمام اطلاعات مراکز امدادی و دستگاه‌ها در آن‌جا بارگذاری شود، این امکان برای هریک از سازمان‌ها وجود دارد که بتوانند براساس نیاز خود از این اطلاعات در راستای خدمت‌رسانی بهتر استفاده کنند. معمولا افرادی که در جاده‌ها دچار حادثه می‌شوند، از کسانی هستند که با منطقه آشنا نیستند و درصورتی که اتفاقی برای آنها رخ دهد، در آن زمان اطلاع دقیق از موقعیت مکانی خود را ندارند تا بتوانند ارایه کنند. در این شرایط سازمان‌های امدادی نیاز دارند که بتوانند از طریق موبایل حدود موقعیت مکانی افراد را شناسایی کنند تا بتوانند سریع‌تر در محل حاضر شوند که برای ایجاد چنین شرایطی نیاز است که هماهنگی بیشتری میان سازمان‌های امدادی، وزارت ارتباطات و سازمان تنظیم مقررات رادیویی ایجاد شود. مباحث امنیتی ازجمله مواردی است که مانع اجرایی‌شدن این کار و دسترسی نیروهای امدادی به موقعیت مکانی افراد می‌شود در حالی که داشتن چنین اطلاعاتی اهمیت زیادی دارد و کمک زیادی به دسترسی سریع‌تر به حادثه‌دیدگان می‌کند. ما از ۵ سال قبل نرم‌افزار جامع اطلاعاتی مکانی را راه‌اندازی کرده‌ایم و اطلاعات مجموعه بر بستر GIS بارگذاری شده و به جرأت می‌توان گفت که کار کم‌نظیری است. در این شرایط می‌توان گفت که ما تا حدود زیادی زیرساخت لازم برای این که بتوانیم اطلاعات سازمان‌های دیگر را هم در این نرم‌افزار بارگذاری کنیم، داریم. اطلاعات تمام پایگاه‌های امدادونجات سطح کشور، مراکز و انبارهای امدادی در این نرم‌افزار موجود است و در زمان بحران می‌توانیم از آن استفاده کنیم. به‌عنوان مثال ما به سرعت می‌توانیم تشخیص دهیم که وقتی حادثه‌ای رخ می‌دهد، کدام پایگاه نزدیک‌تر است و می‌تواند برای ارزیابی اعزام شود و نزدیک‌ترین مرکز درمانی به محل حادثه کجا قرار دارد. این اطلاعات می‌تواند در اختیار سایر سازمان‌ها مانند اورژانس و راهداری قرار بگیرد تا در زمان بحران سرعت عمل تیم‌ها بیشتر شود. در این شرایط اگر ارزیابی اولیه را راهداری انجام داده باشد، دیگر نیازی نیست که ما هم این کار را انجام دهیم و می‌توانیم از اطلاعات آنها استفاده کنیم. بنابراین اشتراک گذاشتن این اطلاعات باعث می‌شود تا بتوانیم خدمات بهتری ارایه کنیم. در زلزله کرمانشاه ارتباط بسیار خوبی با مرکز کنترل و هدایت عملیات اورژانس و راهداری داشتیم. به‌عنوان مثال ما اگر می‌دیدیم که بخش‌های دیگر روستاهایی را ارزیابی کرده‌اند، ما دیگر به آن روستا نمی‌رفتیم و از اطلاعات آنها استفاده می‌کردیم یا اگر مسیری بسته بود، راهداری با اعلام این موضوع مسیری جایگزین را به ما معرفی می‌کرد. این تجربه‌ای بود که باعث شد سرعت پاسخگویی بالا برود. البته در زلزله همین تقسیم کاری که صورت گرفت، باعث شد وقتی مردم در قسمتی نیروهای هلال‌احمر را نمی‌دیدند، احساس کنند که آنها منطقه را مورد توجه قرار نداده‌اند، درحالی که استفاده از اطلاعات بخش‌های دیگر باعث شد که در زمان، صرفه‌جویی کنیم و به جای حضور در منطقه‌ای که از سوی بخش‌های دیگر ارزیابی شده، به بخش‌های دیگر رسیدگی کنیم. ما باید به این سمت برویم که اطلاعات به صورت نرم‌افزاری ثبت شود تا هر دستگاهی بتواند از این اطلاعات استفاده کند. وقتی اطلاعات به صورت سیستمی ثبت شود، دقت آنها بالاتر می‌رود. به هر حال وقتی اشتراک‌گذاری این اطلاعات به صورت گفتاری باشد، احتمال خطا بالا می‌رود اما اگر اطلاعات به صورت سیستمی ثبت شده باشند، می‌توان آنها را تجزیه و تحلیل کرد و در زمان بحران بهتر خدمت‌رسانی کرد. برای این کار نیاز است دستگاه‌های مختلف همکاری لازم را داشته باشند. مرکز آمار یکی از بخش‌هایی است که می‌تواند در این زمینه کمک کند. ما به اطلاعات آنها نیاز داریم ولی هنوز اطلاعات سال ۹۵ در اختیار ما قرار نگرفته است. بعضی از سازمان‌ها هم هستند که قصد دارند این اطلاعات را بفروشند و این کار هزینه زیادی دارد. در زلزله کرمانشاه هم در پی رایزنی‌هایی که صورت گرفته، توانستیم اطلاعات را در اختیار داشته باشیم. درحال پیگیری هستیم که از طریق اداره پست و سازمان ثبت احوال بتوانیم کدملی‌های افراد را هم داشته باشیم. یکی از مشکلاتی که ما در زلزله کرمانشاه داشتیم، این بود که بیش از ۶۰هزار شناسنامه امدادی صادر کردیم و هنگامی هم که دفترچه‌های امدادی را صادر کردیم، تعداد آنها به ۵۰هزار دفترچه رسید. در واقع بعضی افراد از جاهای دیگر آمدند و دفترچه گرفتند و بعضی افراد نیز هم در روستاهای سرپل ذهاب و هم در خود این منطقه دفترچه دریافت کردند. در شرایط بحرانی این اتفاق‌ها می‌افتد ولی اگر ما بتوانیم لینک مستقیمی با اداره ثبت یا پست داشته باشیم، می‌توانیم این شرایط را کنترل و منابع را درست توزیع کنیم. بزرگترین مانع این است که سازمان‌ها همکاری مشترکی با هم ندارند. از طرف دیگر، اطلاعات بعضی از سازمان‌ها هنوز دیجیتالی نشده که این کار هم زمانبر است. بعضی سازمان‌ها هم از این اطلاعات به‌عنوان منبع قدرت استفاده می‌کنند و به این دلیل به اشتراک نمی‌گذارند.

پدر عامل مرگ بنیتای ۸ ماهه در گفت‌وگو با «شهروند»:

پسرم را اعدام نکنید

محمد نمی‌خواست به کسی آسیب بزند

عکس: مهر

امیرحسین خواجوی | روزها برایش به شماره افتاده است. هر لحظه و هر ثانیه به پایان نزدیک می‌شود. پایانی تلخ برای پسری که تنها در چند دقیقه به یکی از منفورترین مجرمان پایتخت و حتی ایران تبدیل شد. محمد ۲۷ساله یکی از دو متهم پرونده جنجالی بنیتا است. او به حکم دادگاه به قصاص محکوم شده است؛ قصاص به دلیل رها کردن دختربچه ۸ماهه در داخل خودرو. حکم او به تأیید دیوان عالی کشور هم رسید و حالا قرار است این قصاص در «مشیریه» اجرا شود. جایی که محمد همراه با «مهدی» پراید پدر بنیتا کوچولو را دزدیدند تا با سرقت ضبط و باند آن خرج چند روز موادشان را جور کنند؛ اما این سرقت با مرگ بنیتا یکی از حساس‌ترین پرونده‌های جنایی تهران را به جریان انداخت. محمد و مهدی دیگر یک معتاد سارق نبودند که برای تهیه مواد دله دزدی می‌کردند. این دو از همان روز داغ تابستانی که خودرو را از جلوی خانه بنیتا سرقت کردند، کودک‌ربایی و قتل در پرونده‌اش ثبت شد. پرونده‌ای که در دو جلسه دادگاه رسیدگی شد و درنهایت با حکم قصاص برای محمد و ۱۳سال حبس برای مهدی به‌عنوان متهم ردیف دوم این پرونده خاتمه یافت.

خودشان اما می‌گویند از وجود بچه اطلاع نداشتند و وقتی متوجه شدند که کار از کار گذشته بود. آنها با همان پراید نقره‌ای پدر بنیتا کیلومترها از محل حادثه دور شده بودند که این دختر بچه را روی صندلی عقب خودرو دیدند. هول شدند و دست و پایشان را گم کردند، نمی‌دانستند باید چه کار کنند، دستپاچه و مضطرب خودرو را در جایی که فکر می‌کردند پر رفت و آمد است، پارک کردند و از آن‌جا دور شدند؛ اما هیچ کدام از اینها برای دادگاه و قاضی قانع‌کننده نبود. دختر ۸ ماهه توان دفاع از خودش را نداشت، او حتی نمی‌توانست صحبت کند و خودش را از آن شرایط نجات دهد. از نظر قاضی، محمد مرتکب قتل شده و باید مجازات شود. مهدی هم به‌عنوان متهم ردیف دوم پرونده به ۱۳سال حبس و ۲سال تبعید محکوم شد. این حکم به تأیید دیوان عالی کشور هم رسید و حالا قرار است که محمد در ملأعام به دار مجازات آویخته شود اما اجرای این حکم یک مشکلی دارد. تفاضل دیه مانعی برای اعدام محمد است. رقم آن تاکنون از سوی مراجع رسمی اعلام نشده اما پدر بنیتا همان روز اول گفت که نمی‌تواند آن را بپردازد و از قوه قضائیه خواست تا این پول را پرداخت کند. چندی بعد هم صحبت‌هایی درباره پرداخت تفاضل دیه از خزانه دولت مطرح شد. حالا اما آن‌طور که گفته می‌شود قرار است پرونده برای پرداخت تفاضل دیه و گرفتن استیذان از طریق دادستانی به دفتر رئیس قوه‌قضائیه فرستاده شود و محمد بنابر کیفرخواست صادر شده در ملأعام (مشیریه) قصاص شود.

حالا اما پدر محمد به این حکم اعتراض دارد. او معتقد است که در حکم صادرشده تبعیض وجود دارد چرا که محمد و مهدی هر دو با هم خودرو را سرقت کرده‌اند و در مرگ بنیتا هر دو به یک اندازه مقصر هستند. او می‌گوید که پسرم معتاد بوده و شیشه عقل و فکر را از او گرفته بود و به همین دلیل هم آن دختر را در آن وضع رها کرده است تا کسی او را پیدا کند و به خانواده‌اش تحویل دهد. این پدر ۶۰ساله اما حرف‌های دیگری هم داشت؛ از توبه و پشیمانی پسرش، از اتفاق تلخی که برای بنیتا پیش آورده تا تقاضا برای بخشش و گذشت از خانواده بنیتا. آنچه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگوی «شهروند» با مردی است که این روزها را با دلهره و ترس از اجرای حکم پسرش سپری می‌کند.

• آخرین بار کی محمد را دیدید؟

روز شنبه هفته گذشته، صبح بود که به ملاقات او رفتم. همه این مدت هفته یکی یا دوباری به دیدنش می‌روم؛ مخصوصا پس از این‌که حکم اعدامش را صادر کردند.

• در این ملاقات چه خواسته‌ای داشت؟

محمد پشیمان است؛ در همه این مدت هر بار که به دیدن او می‌روم از مرگ آن بچه ناراحت است و می‌گوید بابا من آدمکش نیستم، نمی‌خواستم به او آسیبی برسد، من معتاد بودم، شیشه عقل و فکرم را نابود کرده بود؛ این بار هم همه این صحبت‌ها را تکرار کرد.

• از حکم اعدام در ملأعام خبر دارد؟

بله؛ خبر داشت. به زندان روزنامه می‌رود؛ در روزنامه خبر را خوانده بود. از همه جزییات این اعدام، استیذان قوه‌قضائیه و تفاضل دیه، همه اینها را خبر داشت.

• درباره اعدام در ملأعام حرفی نداشت؟

همان‌طور که گفتم، فقط می‌گفت من قاتل نیستم، نمی‌خواستم به کسی آسیبی برسد. بچه را رها کردم تا کسی او را پیدا کند و به خانواده‌اش بازگرداند. محمد به من گفت هر چه خواست خدا باشد. من که نمی‌خواستم آن دختربچه بمیرد. خدا خودش این را می‌داند و هر پیشامدی باشد من آن را می‌پذیرم.

• در این مدت که به ملاقات محمد رفتید، درباره این‌که چرا بنیتا را با آن وضع در جای خلوتی رها کرد و با پلیس تماس نگرفت، سوالی از او نپرسیدید؟

بارها از او پرسیدیم. او به من گفت که وقتی خودرو را دزدیدیم، فقط به فرار فکر می‌کردیم. آنها خمار بودند، آدم معتاد آن هم از نوع شیشه‌ای وقتی دنبال جور کردن مواد است، دیگر عقلش کار نمی‌کند. محمد و مهدی هم برای تهیه پول مواد خودرو را دزدیدند. خودش به من گفت که پلیس دنبال آنها بود. آنها وقتی از آن جا دور می‌شوند تازه متوجه حضور بچه روی صندلی عقب خودرو می‌شوند و با عجله خودرو را نزدیکی بازار میوه و تره‌بار پاکدشت پارک می‌کنند، روبه‌روی یک مغازه سه‌دهنه. من خودم چندبار از آن‌جا رد شدم، جای شلوغ و پرترددی است. هنوز هم برایم عجیب است که چطور کسی متوجه حضور این بچه نشده بود؛ درِ خودرو را هم باز گذاشته بودند. آنها با عجله فرار می‌کنند، حتی ضبط و باند خودرو را هم با خود نمی‌برند. محمد و مهدی به خیال این که پلیس پشت سر آنهاست و جای شلوغی توقف کرده‌اند و بچه خیلی زود به خانواده‌اش بازگردانده می‌شود، از آن‌جا فرار می‌کنند و به خانه یکی از دوستانشان می‌روند و می‌خوابند. همین‌جا هم نشان می‌دهد که عقل و فکر اینها درست کار نمی‌کرده، چطور یک آدم می‌تواند بعد از چنین حادثه‌ای راحت بخوابد؛ البته این حرف‌های من به معنی توجیه جرم پسرم نیست. به هر حال او و دوستش باعث مرگ یک دختربچه شده‌اند و باید مجازات شوند اما محمد قتل عمد مرتکب نشده من همه اعتراضم به همین است که او قتل عمد انجام نداده است. من سواد قضائی ندارم اما برای این حرفم هم دلیل محکمی دارم.

• چه دلیلی؟

همه این ماجرا دو نفری انجام شده؛ یعنی محمد و مهدی با هم این خودرو را سرقت کردند و از وجود بچه هم هر دو نفر آگاه بودند و در مرگ بنیتا به یک اندازه مقصر هستند؛ چطور پسر من به اعدام محکوم شد اما مهدی به ۱۳ سال حبس و تبعید. اگر قتل غیرعمد بوده که باید محمد هم به زندان محکوم می‌شد و اگر نه هر دو نفر اعدام شوند؛ البته من باز هم اعتقاد دارم که محمد و مهدی هر دو معتاد بودند و نمی‌توانستند تصمیم درستی بگیرند.

• وقتی فهمیدید که پسرتان باعث مرگ یک دختربچه شده است، چه احساسی داشتید؟

چند روز قبل از آن حادثه، من با محمد دعوا کردم. او شب‌ها به خانه نمی‌آمد. سر همین مواد هم حرفمان شد. او چند ماه قبل به خاطر شیشه به زندان افتاده بود. من از او قول گرفتم که ترک کند. بعد هم ضمانت کردم و او از زندان آزاد شد اما بعد از چند هفته دوباره سمت شیشه رفت. من هم به او اعتراض کردم و او هم از خانه رفت. خبر گم‌شدن بنیتا را شنیده بودم اما هیچ فکر نمی‌کردم پسر من در این ماجرا دست داشته باشد. بعد هم پدر مهدی با من تماس گرفت و گفت که آنها را گرفته‌اند و جرمشان قتل بنیتا است.

• وقتی این خبر را شنیدید چه حالی داشتید؟

باورم نمی‌شد. پسر من معتاد بود، دله‌دزدی هم می‌کرد، اما آدمکش نبود. راستش من بیشتر از همه با اعتیاد او مشکل داشتم. در این مدت هم او در زندان اعتیاد را ترک کرده است و در کلاس‌های گروهی معتادان نجات‌یافته شرکت می‌کند. خیلی سر حال شده، اصلا حرف‌زدنش تغییر کرده است. تازه دارد فکرش کار می‌کند. در کلاس‌های قرآن شرکت می‌کند و چند سوره را هم حفظ کرده است. وقتی در ملاقات‌ها از اینها برای من تعریف می‌کند، خیلی خوشحال می‌شوم، اما همان موقع غم بزرگی روی دلم هوار می‌شود. او را بالا می‌کشند و من باید دست و پا زدنش را تماشا کنم. به خدا او قتل عمد نکرده؛ از خدا می‌خواهم که مهر محمد را به دل خانواده آن دختر بیندازد. مرگ فرزند خیلی سخت است، من حال آنها را درک می‌کنم؛ اما محمد تازه دارد، انسان می‌شود.

• در این مدت برای گرفتن رضایت به سراغ خانواده بنیتا رفته‌اید؟

چندبار می‌خواستیم این کار را بکنیم، اما حتی ما را داخل خانه راه نمی‌دهند. وکیل پرونده هم چندبار به آنها مراجعه کرد، اما حتی حاضر نشدند، صحبت او را گوش دهند. نمی‌دانم چه سرنوشتی در انتظار ما است؛ تنها امید ما به خدا است.

توقف عملیات جست‌وجو در ششمین روز

گروه ۷نفره متخصصان فرانسوی بررسی سانحه عازم محل وقوع حادثه شدند

شهروند | ۶ روز از آن یکشنبه تلخ گذشت. روزی که ۶۶ سرنشین هواپیمای ATR۷۲ در دل قله‌های دنا، میان برف‌ها جا ماندند و به سرنوشتی تلخ دچار شدند. حالا ۶ روز است که امدادگران در میان برف و بوران هر روز عملیات و ماموریت‌های سختی را اجرا می‌کنند. سه‌روز پیش بود که لاشه هواپیما در دل کوه پیدا شد و امدادگران در حوالی لاشه هواپیمایی که زیر برف رفته و قطعه‌قطعه شده بود، به دنبال پیکر قربانی‌ها گشتند. اکیپی از امدادگران هلال‌احمر از چند استان حتی شب را در آن سرمای وحشتناک ماندند تا بتوانند ماموریت خود را به خوبی اجرا کنند. در میان برف‌ها چند پیکر پیدا شد و آنها را به پایین منتقل کردند تا این‌که از شب چهارشنبه عملیات به دلیل بارندگی و بدی شرایط جوی متوقف شد و تا عصر روز جمعه نیز، این عملیات همچنان متوقف بود. هنوز تعداد زیادی از پیکرها در دل قله‌های برفی جا مانده و جعبه سیاه هواپیما نیز پیدا نشده است. این درحالی است که گروه ۷نفره متخصصان فرانسوی بررسی سانحه روز جمعه عازم محل وقوع حادثه در سمیرم شدند. این گروه متخصصان فرانسوی در نشست کمیته بحران نیز شرکت کردند و به محض بازگشت از محل در جلسه‌ای دیگر شرکت کرده و اطلاع‌رسانی می‌کنند.

شرایط نامساعد جوی

شاهین فتحی معاون عملیات سازمان امدادونجات هلال‌احمر درباره عملیات سخت در دل کوه توضیح داد: «در ششمین روز از عملیات، به دلیل وضع جوی امکان اعزام نیرو و پرواز بالگردها برای عملیات جست‌وجو در محل سقوط هواپیمای تهران - یاسوج ممکن نیست، اما تیم‌های عملیاتی در حالت آماده‌باش قرار دارند. از چهارشنبه‌شب تا صبح روز جمعه همچنان در منطقه بارندگی است و درحال حاضر در ارتفاعات نیز بارندگی داریم. امیدواریم که وضع جوی بهتر شود تا بتوانیم اقدام کنیم. همچنین جلساتی با کاپیتان‌های مستقر برای بررسی وضع جوی داشتیم. جلسه مشترکی هم برای بررسی وضعیت، با استاندار و نمایندگان ارتش خواهیم داشت. اگر وضع جوی اجازه دهد بالگردها را استفاده می‌کنیم

اما اگر هوا به همین صورت باشد، امکان پرواز بالگرد نخواهد بود و همین‌طور تا این لحظه امکان اعزام نیروها به ارتفاعات هم مقدور نیست.»

شاهین فتحی درباره آخرین وضع عملیات انتقال پیکر جانباختگان حادثه هواپیمای تهران - یاسوج گفت: «تیم‌هایی که در ارتفاعات بالای ۴۰۵۰ متری کمپ زده بودند و شرایط جوی بسیار نامساعدی را تجربه کردند، سعی کردند به مناطق پایین‌تر بیایند و با همکاران ما در کمپ دو ملحق شوند. همه این تیم‌ها با هم حرکت می‌کردند و به محل کمپ فعلی رسیدند. وضع جوی در ارتفاعات بسیار نامناسب گزارش شده است. با توجه به اطلاعات سازمان هواشناسی روزهای آینده نیز، شاهد بارش بیشتری در این مناطق هستیم و امکان حضور نیروهای عملیاتی در ارتفاعات دنا مقدور نیست. سعی کرده‌ایم تیم‌های عملیاتی خود را در منطقه پادنا و سی سخت آماده نگهداریم. به محض این که شرایط آب و هوایی برای ادامه فعالیت تیم‌های عملیاتی آماده باشد، اقدام می‌کنیم. بالگردهای جمعیت هلال‌احمر نیز، همچنان در یاسوج به صورت آماده مستقر هستند و اگر شرایط فراهم شود، وارد عملیات می‌شوند.»

همچنین مرتضی سلیمی - رئیس سازمان امدادونجات هلال احمر - نیز درباره وضع امدادگران هلال‌احمر در این منطقه گفت: «حال امدادگران خوب است و در کمپ هلال‌احمر اسکان دارند. ما آنها را از ارتفاع ۴۲۰۰ متری به ارتفاع ۳۶۰۰ متری انتقال دادیم و درحال حاضر در کمپ‌های دامنه کوه اسکان دارند. به محض تغییر در شرایط جوی نیروهای عملیاتی جابه‌جا و تیم‌های بعدی جایگزین تیم‌های قبلی می‌شوند. درحال حاضر نیز، تیم‌های عملیاتی و پشتیبانی هلال‌احمر در دامنه کوه مستقر هستند.»

وضع عادی هواپیما ۴ دقیقه قبل از سقوط

محمدرضا رضایی کوچی رئیس کمیسیون عمران نیز با بیان این که ۴ دقیقه پیش از سقوط هواپیما مکالمه‌ای از یکی از مسافران هواپیما با فردی که در فرودگاه یاسوج منتظرش بوده وجود دارد، گفت: «این مکالمه بسیار عادی بوده و نشان می‌دهد که شرایط هواپیما پیش از سقوط بسیار عادی بوده و مشکلی وجود نداشته است اما این که چرا به کوه برخورد می‌کند، از ابهاماتی است که باید به آن پاسخ داده شود.»

وی با اشاره به پیداشدن کپسول آتش‌نشانی خالی از هواپیمای سانحه‌دیده آسمان، گفت: «این موضوع که چرا کپسول آتش‌نشانی خالی بود. از ابتدا به صورت خالی در هواپیما قرار گرفته یا این که داخل هواپیما آتش‌سوزی رخ داده، ازجمله مواردی است که در کمیسیون عمران بررسی می‌شود. البته احتمال این موضوع که هواپیما پس از برخورد با کوه دچار آتش‌سوزی شده باشد، کاملا مردود است.»

وی با اشاره به این که کمیسیون عمران درحال حاضر روی شرایط جوی و وضع ایمنی هواپیما کار می‌کند، چراکه مهمترین ابهام همین موضوع است، ادامه داد: «هواپیماهای ATR۷۲ سن بالایی دارند و از ساعت ۱۲شب پنجشنبه پرواز آنها متوقف شده است. تا زمانی که جعبه سیاه هواپیما پیدا شده و باز شود؛ چراکه ممکن بوده هواپیمای سانحه‌دیده نقص و ایرادات فنی داشته و سقوط کرده باشد.»

نماینده مردم جهرم در مجلس شورای اسلامی گفت: «این امکان وجود دارد که هواپیماهای مشابه ATR۷۲ نیز دچار سانحه شوند، بنابراین تا بازخوانی جعبه سیاه دیگر این هواپیماها پرواز نمی‌کنند که اقدام صحیحی است.»

آژیر

دستگیری سارقان لوازم داخل خودرو با شلیک پلیس

میزان | دو سارق لوازم خودرو در جریان تعقیب و گریز و شلیک ماموران دستگیر شدند. ساعت ۲:۳۰ بامداد پنجشنبه ماموران گشت کلانتری گلبرگ حین گشتزنی در خیابان ۱۲۰ تهرانپارس به دو سرنشین خودرو مزدا ۳ سفیدرنگ مشکوک شدند. در بررسی پلاک خودرو مشخص شد که این خودرو چند روز قبل سرقت شده است. بلافاصله ماموران به راننده خودرو دستور ایست دادند، اما راننده بدون توجه به دستور پلیس متواری شد.

در جریان تعقیب و گریز، راننده به سمت میدان امام‌حسین فرار کرد که ماموران پلیس برای متوقف کردن خودرو مجبور به استفاده از سلاح شدند. افسر پلیس با رعایت قانون بکارگیری سلاح اقدام به شلیک تیر هوایی کرد اما راننده همچنان به فرار خود ادامه داد.

سرانجام مامور کلانتری با رعایت قانون اقدام به شلیک به سمت خودرو کرد و لاستیک‌ها و سپر خودرو را هدف قرار داد. پس از تیراندازی مامور پلیس، خودرو کنترل خود را از دست داد و با درخت برخورد کرد.

ماموران گشت پلیس بلافاصله راننده را دستگیر کردند و سرنشین دیگر خودرو با فرار از محل به داخل یک ساختمان نیمه‌کاره در خیابان چمن فرار کرد؛ ماموران وارد ساختمان شده و متهم را دستگیر کردند.

متهمان در کلانتری به سرقت لوازم خودرو اعتراف کرده و مدعی شدند که با استفاده از خودرو مزدا ۳ سرقتی در شرق تهران پرسه زده و اقدام به سرقت لوازم داخل خودرو می‌کردند.

کشف بی‌سابقه‌ترین مواد محترقه در پایتخت

شهروند | بیش از ۵۵میلیون ترقه پیازی و آبشار در جنوب پایتخت کشف شد. چندی قبل ماموران پلیس امنیت تهران در جریان تولید و ورود محموله بزرگ مواد محترقه در جنوب تهران قرار گرفتند. با بررسی‌های پلیسی مشخص شد فردی در روستای خانلق فشافویه مشغول تهیه این مواد برای روزهای پایانی سال است.

سرانجام ساعت ۱۶ روز پنجشنبه ماموران پلیس موفق شدند متهم را سوار یک دستگاه وانت پیکان شناسایی و دستگیر کنند. در بررسی خودرو متهم ۲۴میلیون و ۷۵۰هزار ترقه پیازی کشف شد. متهم در بازجویی‌های اولیه با اعلام این که مواد محترقه را برای روزهای پایانی سال و فروش در تهران آماده می‌کرد، مدعی شد در دو انبار کار تهیه مواد محترقه را انجام می‌داد. ماموران با هماهنگی قضائی دو انبار متهم را در منطقه کهریزک شناسایی کردند. در بازرسی از این انبارها ۳۰میلیون ترقه پیازی کشف شد. همچنین ۱۰هزار و ۹۶۰ ترقه آبشار نیز در این محل کشف و ضبط شد. همچنین در بازرسی تخصصی ۴۰هزار دوک ترقه آبشار، ۶۰۰کیلوگرم پودر آلومینیوم، ۴هزار و ۸۰۰ کیلوگرم زغال چینی قاچاق، ۹ دستگاه بسته‌بندی ترقه پیازی، یک دستگاه الک، یک دستگاه آسیاب و یک دستگاه مخلوط‌کن صنعتی کشف و ضبط شد.

تولد نوزاد بازفتی در آمبولانس اورژانس ۱۱۵

شهروند | نوزاد دختر بازفتی در آمبولانس اورژانس ۱۱۵ متولد شد. رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی استان چهارمحال‌وبختیاری گفت: در تماس تلفنی ساعت ۶ صبح جمعه با مرکز پیام اورژانس ۱۱۵ مبنی بر این‌که مادر باردار ۲۷ساله اهل گزستان بازفت شهرستان کوهرنگ دچار درد زایمان شده، بلافاصله یک دستگاه آمبولانس اورژانس ۱۱۵ به همراه دو کارشناس فوریت‌های پزشکی به محل اعزام شد. کارشناسان فوریت‌های پزشکی اورژانس ۱۱۵ پس از رسیدن به محل اقدامات درمانی مناسب را برای مادر ۲۷ ساله انجام داده و بیمار را به داخل آمبولانس منتقل کردند. در میانه راه درد بیمار تشدید و پس از اقدامات حمایتی برای مادر باردار، نوزاد دختر در آمبولانس متولد شد. رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی چهارمحال‌وبختیاری افزود: پس از خشک و گرم‌کردن و کلامپ بند ناف، نوزاد و مادر به مرکز درمانی چمن گلی مرکز بخش بازفت منتقل شدند.

۱۴فوتی و مصدوم بر اثر واژگونی اتوبوس در آباده

شهروند | واژگونی یک اتوبوس در محور شورجستان شهرستان آباده دو فوتی و ۱۲ مصدوم بر جا گذاشت. این حادثه ساعت ۳:۳۸ صبح روز ۴ اسفندماه رخ داد و طی گزارشی به مرکز پیام اورژانس شهرستان آباده، سریعا سه دستگاه آمبولانس ۱۱۵ به محل حادثه اعزام شد.

پس از رسیدن تکنیسین درمانی اورژانس به محل وقوع حادثه دو مسافر جان خود را از دست دادند و ۱۲ مصدوم به بیمارستان امام‌خمینی(ره) شهرستان آباده اعزام می‌شوند. پس از انجام معاینات اولیه ۸ مصدوم به صورت سرپایی در بیمارستان مداوا و تنها ۴ نفر بستری شده‌اند. علت وقوع این حادثه انحراف به چپ اتوبوس اعلام شده است.